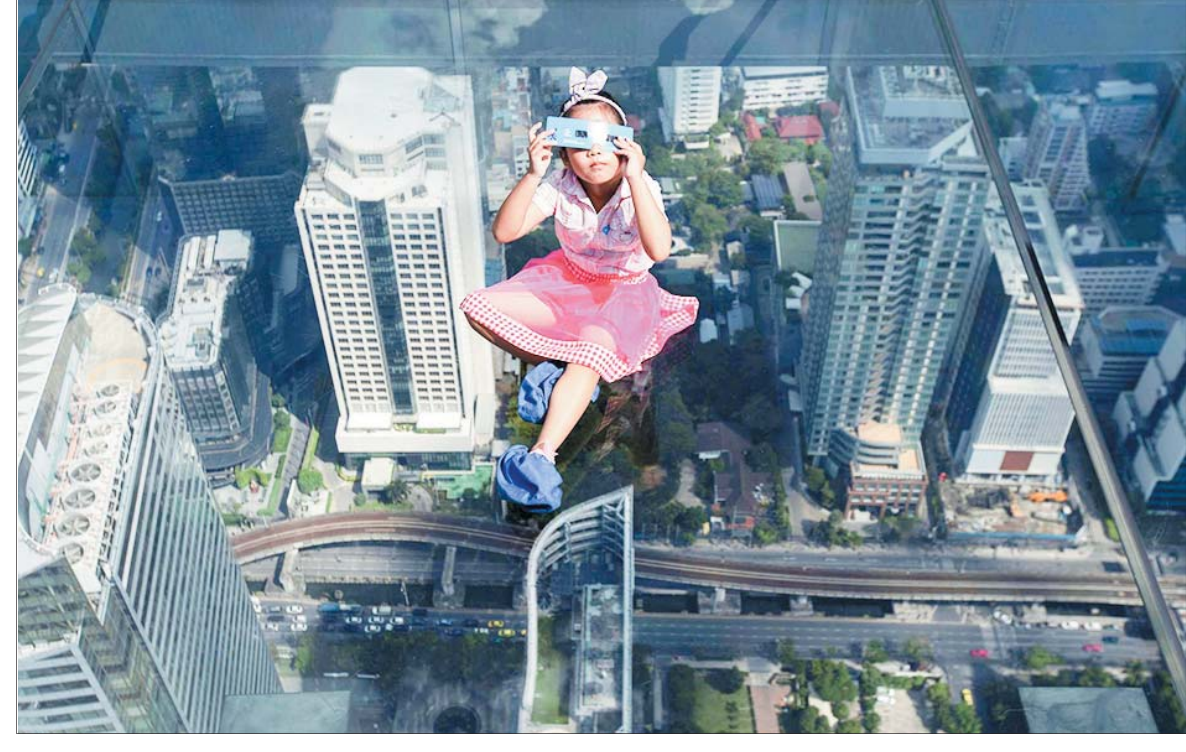
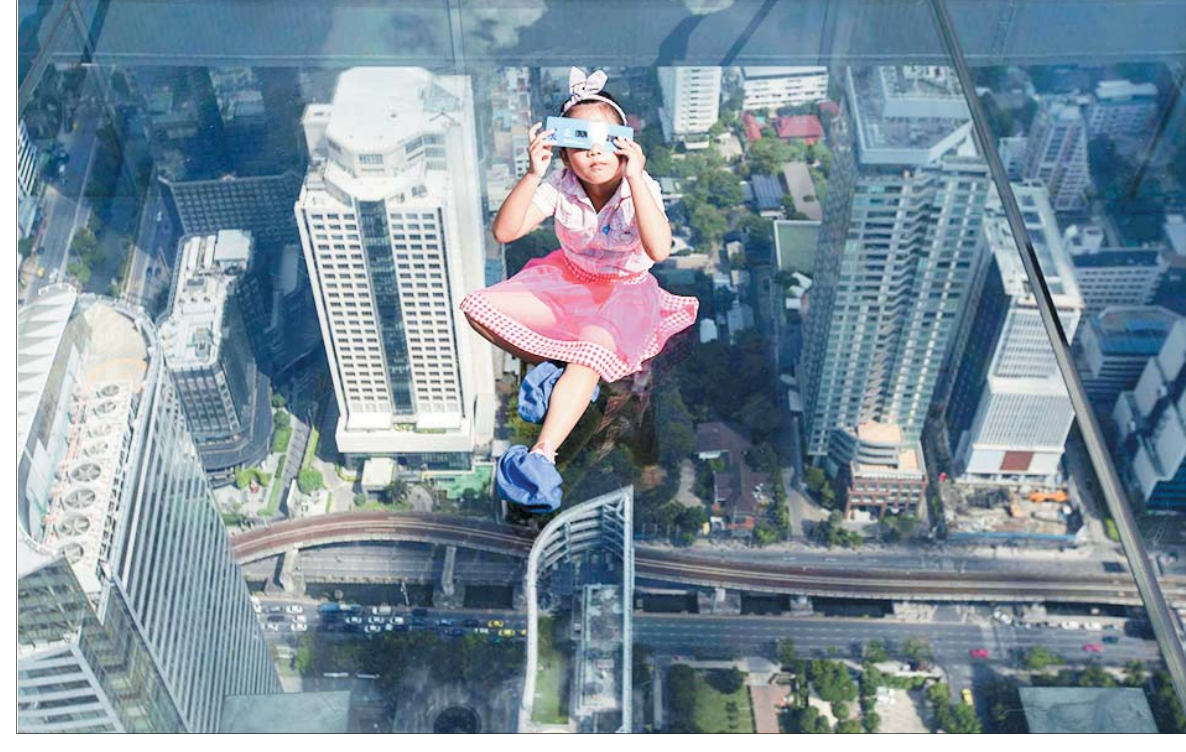


شرق

روزنامه



یک دختر بچه در حال تماشای خورشیدگر فتگی روی سقف شیشه‌ای ساختمان‌ی در بانکوک، Athit Perawongmetha-REUTERS



نور نوشت

تحلیل

دستور به ادامه شکیبایی!

امکان‌پذیر نیست ولی باید پروتکل‌ها به طور کامل رعایت شود، در حقیقت ما به ادامه فعالیت‌ها آری می‌گوییم، اما به تردد و تجمع غیر ضرور نه می‌گوییم. (۳۱ خرداد)

«مراعات مردم عزیزمان در اردیبهشت نسبت به این اپیدمی، مطلوب تا ۸۰ درصد و گاهی بیشتر از ۸۰ درصد بوده اما امروز تقریباً از اواسط خرداد که نگاه می‌کنیم این مراعات‌ها کم شده و از ۸۰ درصد به ۲۰ تا ۱۸ درصد رسیده است، بنابراین می‌تواند نگرانی به وجود بیاورد و مردم عزیز باید این مراقبت را انجام دهند تا بتوانیم از این مرحله به خوبی عبور کنیم.» (۲۴ خرداد)
«می‌بینیم مردم به خوبی مراقبت و کمک می‌کنند و می‌دانند راه حل مسئله به دست خودشان است که خودشان بیشتر باید مراقبت کنند.» (۲۴ فروردین)
«امروز در جلسه ما وزارت راه و شهرسازی آماری مربوط به اواخر اسفند و اوایل فروردین را ارائه کرد، مثلاً تا هشتم فروردین و آمار دوم مربوط به نهم فروردین به بعد است؛ این دو آمار، آمده بود روی نمودار و در این نمودار این دو خط آن‌قدر به هم نزدیک بود که بعضی جاها کاملاً به هم چسبیده بود و بعضی جاها فاصله‌اش خیلی کم است و این بدان معناست که در عمل مردم بین آن زمانی که هیچ الزام، فشار، اجبار و سختگیری نداشتیم، با آن زمانی که سختگیری‌ها را خیلی زیاد کرده بودیم، فاصله چندانی نمی‌بینیم؛ این معنایش این است که مردم عزیز ما همان که با زبان و بیان ساده حقایق برایشان بیان می‌شود و آنها متوجه می‌شوند که برای سلامت خود و جامعه‌شان اموری لازم است، عمل می‌کنند و نیاز به سختگیری و بکیر و بند ندارد. این آمار خیلی قشنگ و زیبا، نشان‌دهنده این است که فرهنگ مردم ما فرهنگ بسیار بلندی است.» (۲۴ فروردین)
حال به کرونا و بی‌توجهی رئیس دولت به اصول تغییر رفتار و مقابله با اضطراب برگردیم، اگرچه ریاست محترم جمهور در جلسات متعدد ستاد مقابله با کرونا به نگرانی و اضطراب مردم اشاره‌های بسیار داشته اما به دلیل همان بی‌توجهی باز هم به ورطه پاید‌ها و ناپاید‌ها افتاده و در آخرین جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا چنین می‌گوید: «به‌عنوان رئیس جمهور از مردم می‌خواهم برای پاسداری از دستاوردها و به خاطر ایران عزیز، شکیبایی‌ها را ادامه داده و هرگز نسبت به آینده نگران و مضطرب نشویم». تمامی سخنان دکتر حسن روحانی در چهار ماه گذشته که کشور با ویروس‌ی چموش درگیر است، مبتنی بر دعوت آمرانه از مردم به بیروی گاهانه و اختیاری از پروتکل‌های وضع‌شده است.



مهدی ملک‌محمد روان‌شناس

از ابتدای همه‌گیری کووید۱۹ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبران سیاسی و مسئولان بهداشت و درمان کشورهای جهان، اقناع شهروندان به رعایت پروتکل‌های بهداشتی بود که به دلایل مختلفی از جمله مشکلات اقتصادی و برآورد پایین خطر ویروس از سوی برخی از مردم، اغلب کشورها اقدام به استفاده از ابزار حاکمیتی جریمه مالی و اندک کشورهایی نیز از مجازات‌های سختگیرانه‌تری مانند حبس و شلاق استفاده کردند. این همه، به دلیل آن بود که رهبران سیاسی کشورها هم از وضعیت انتقال ویروس به خوبی اطلاع دارند و می‌دانند که راه چاره مقابله با آن، قطع زنجیره انسانی انتقال است و هم از قواعد علم روان‌شناسی آگاهی دارند و می‌دانند انسان تحت شرایط خاصی رفتارهای عادی خود را تغییر می‌دهد و بی‌توجهی به این شرایط و اتکا به «باید» و «نباید»‌های از موضع بالا، تنها سبب افزایش اضطراب و نه کاهش آن می‌شود. البته در این میان، بی‌توجهی اصلی آن است که رهبران سیاسی جهان فرض بگیرند که انسان موجودی است کاملاً آگاه و منطقی؛ فرضی که «زیگموند فروید» اولین نفر در دنیای روان‌شناسی بود که آن را به‌طور کلی باطل اعلام کرد و رفتارهای انسان را عمدتاً تحت‌تاثیر ناخودآگاه او دانست که از خاطرات و زندگی ذهنی و عینی‌اش نشئت می‌گیرد، با توجه به تصمیمات رهبران اغلب کشورها در چهار ماه گذشته، می‌توان گفت که این سیاست‌مداران نیز باور ندارند انسان موجودی کاملاً آگاه و منطقی است که می‌توان با حرف‌درمانی به تغییر رفتارهای او مبادرت ورزید.

اما آنچه این روزها در مواجهه با ویروس کرونا در کشورمان شاهدیم نقطه عطفی در بی‌توجهی رئیس‌جمهور به سازوکارهای علمی مقابله با نگرانی و اضطراب در شرایط بحرانی همه‌گیری کروناست، حال، چرا آگاهی از این اصول و قواعد باید برای رئیس دولت مهم باشد؟ به این اظهارات دکتر حسن روحانی در چند جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا توجه کنید:

«فعالیت‌های گوناگون اعم از فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و معنوی می‌تواند با رعایت دستورالعمل‌ها ادامه داشته و گشایش یابد، چراکه تعطیلی کارها و فعالیت‌های جامعه، شدنی و

www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۹ = ۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ = ۲۴ ژوئن ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۲۷۴۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۰
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

یادداشت
روایت نیاکان
الهام فخاری

یک مناسبت در گاه‌شمار است و فلسفه‌ای و بزرگداشت و آیین‌هایی دارد. برنامه‌ای برای بزرگداشت برگزار می‌شود و عکس و خبرها منتشر می‌شوند، ولی آیا همه ماجرا همین است؟ از آغاز دوره برپایه تلاش‌های ارزنده شهرداری‌های برخی کلان‌شهرها، در پی آن بودم که برای مستندکردن سرمایه‌های فرهنگی و بومی شهری و روستایی و پرداختن به سبک زندگی، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، با کمیسیون ملی یونسکو همکاری‌ای رقم زده شود. جست‌وجو و پیمایش در استان تهرانی که زیر سایه سنگین و پیچیدگی‌های ابرکلان‌شهر تهران همه فرصت‌ها یا داشته‌های دیگر شهرها و روستاها کم‌رنگ شده، کار دشواری بود. کمتر کسی می‌دانست که استان تهران در برخی سرانه‌ها در رتبه دوم نابرخورداری و کمبود سرانه‌ها قرار دارد و شاید کمتر کسی بداند که شهرستان‌های استان تهران چه روایت‌ها و کنج‌هایی دارند. این چند سال کار شورایی و دل‌بستگی‌های من به فرهنگ و هویت بومی و پشتیبانی، همراهی و رویکرد همکارانم در شورای استان، به تعریف مجموعه همکاری‌های بین‌نهادی میان نهادهای فرهنگی حاکمیتی و مردمی منجر شد. شناختن و ثبت کار و پیشه‌های محلی در روستاهای و شهرها، یکی از این کارهاست. برای این هدف، با توجه به سرفصل‌ها و هدف‌های کمیسیون ملی یونسکو در ایران، زمینه همکاری مناسبی شناسایی شد. باورمندی، دل‌بستگی و پیوندهای فرهنگی مدیران آن مجموعه هم انگیزه‌مان را بیشتر کرد. بیماری کووید۱۹ خیلی از برنامه‌ها را برهم زد و به درازا کشید، ولی تلاش کردیم در دو نشست درباره زمینه‌های خوب همکاری گفت‌وگوی کنیم و آقای دکتر ایوبی و مدیران مجموعه‌شان با مهر و فروتنی همراهی کردند. این روزها که گذران زندگی برای بسیاری از مردم سخت‌تر شده، سخن گفتن از فرهنگ شاید دشوارتر است؛ اما مگر جامعه در چالش‌ها چاره و پناهی جز همبستگی، همدلی و خودباوری دارد؟ تاریخ کهن ما نشان می‌دهد اگر ایران اسلامی امروز همچنان یکپارچه ایستاده، به‌خاطر ریشه‌های هویتی و باورمندی بوده؛ گرچه در تائوان بی‌مهری‌ها یا رنج فشارهای ستمگرانه خودکامان جهان، جان و مال و زندگی مردم فدا شده باشد. ما می‌خواستیم نقش و سهمی برای آموزش شهروندی در راستای بهبود هویت فرهنگی داشته باشیم، برای همین سراغ نهادهای فرهنگی ازجمله کمیسیون ملی رفتیم. چون عضو شورای اسلامی شهر تهران، ری و تخریش هستیم، باید نخست وظایفم در حوزه شهری را انجام بدهم، ولی آگاهی از پیوندها، هم فرصت‌ها و تهدیدها میان پایتخت و شهرها و روستاهای استان تهران من را بر آن داشت که بخش ویژه‌ای از کارم را برای بازشناسی، آگاهی‌رسانی و توان‌افزایی شهرستان‌های

یادداشت
روایت نیاکان
الهام فخاری

استان بگذارم. کاش جست‌وجو کنید و شما هم با این جهان بی‌مانند، گوناگونی فرهنگی و سرمایه‌های تاریخی و روایت‌های دوست‌داشتنی مردم استان تهران بیشتر آشنا شوید. داستان کاروان‌هایی که به سوی خراسان می‌رفته‌اند و راهی که به آتش آفرورخته برج‌های دوره ایلخانی روشن می‌شده یا روایت شیرین کشاورزان در روستاهای شمالی و جنوبی یا غربی تا شرقی استان که از جهت و هوای وزش باد شهریار می‌گویند و کشت و کارشان یا چرای دام‌هایشان با حال‌وهوای دریاچه تار و سیاه‌چادرها در پیوند بوده است، مگر کجای این جهان تکرارپذیرند؟ این کنج‌های فرهنگی را که با مهر و دل‌بستگی جانبازان مین در برج طغرل در برج علاءالدوله یا در گره‌های اجری و محراب شگفت‌انگیز مسجد جامع ورامین نگهداری می‌شوند، مگر باید موزه‌های اروپایی یا آمریکایی برای ما بالارزش کنند؟ این روایت زیسته نیاکان ما بوده که باید بشناسیم تا دوستش داشته و شایسته‌اش بدرسیم. با همین نگاه بود که برای امضای تفاهم‌نامه پیشنهاد کردم برویم جایی بیرون این اتاق‌های اداری رسمی؛ جایی که هم از سایه سنگین پایتخت دور شدیم و باشیم و هم با سرچشمه‌های فرهنگی‌مان دیدار کنیم و به همت همکاران پرتلاش‌مان در شورای شهرستان و شورای شهر ورامین، به مسجد جامع ورامین رفتیم؛ جهان پویا، زنده و زاینده‌ای که در جای‌جای آن فلسفه دینی و آیینی رخ می‌نماید و زنده‌ترین موزه است؛ چون مردم با آن زندگی می‌کنند، بر خاک آن نماز می‌خوانند و به پشتوانه امامان جمعه و جماعات برقرار است و هم میدان فرهنگ و هنر و پرورش فرهنگی است. دیروز مانند همه روزهایی که بازدید شهرستانی رفتیم، شگفت‌نمادین شد. ما مردمی با این همه فرصت و سرمایه، چه راه دشواری را گذرانده‌ایم، چگونه می‌توان این سرمایه‌ها و هنر را به ارزش‌آفرینی برای بهبود وضعیت اقتصادی‌شان پیوند زد؟ سهم ما چه می‌تواند باشد؟ اگر شورا و شهرداری رویکرد فرهنگی و اجتماعی به شهر داشته باشند و از نظر هویتی باورمند و استوار، آن‌وقت است که پای هزینه‌کردن و مناسب‌سازی این مکان‌های تاریخی می‌ایستند و شهر را برای مردم زیست‌پذیر می‌کنند. ما دیروز و دیشب در کنار حاج آقا احمد مسجدجامعی و آقای دکتر ایوبی فرصت آموختن بیشتر داشتیم، از فروتنی و شکیبایی همکاران‌مان در شورا و شهرداری و فرمانداری و نیروی انتظامی و صداوسیما دلگرم شدیم و برای پیگیری ثبت شهرهای استان تهران با توجه به سرمایه‌های فرهنگی واجتماعی‌شان استوارتر هستیم. این دو سه روز برای من به قدر چند سال کار بود؛ هم طرح حرم آثار هنری شهری به نوبت صحن شورا رسیده بود و با هم‌رایی و همکاری همه اعضای شورای شهر مصوب شد و هم کارهایی در شهرستان شمیران به انجام رسید و هم در شهرستان ورامین شب جشن داروزر حضرت معصومه را در مسجد جامع به امضای تفاهم‌نامه جشن گرفتیم، باشد که ایران پایدار و جامعه روادار و هم‌زیست این سرزمین، سربلند از این دره‌های سخت تاریخ بگذرد.

روایت

آیا نیازی به زبان معیار داریم؟

پرویز اجلایی

را بخشی از تلاش طبقه حاکم برای تحمیل ارزش‌های خود می‌دانند. ازجمله برنشتاین، قانونیت‌دادن به بعضی صورت‌های زبانی در مقابل بعضی صورت‌های دیگر را مبتنی بر ارزش‌گذاری‌هایی می‌داند که انگیزه‌های سیاسی – اجتماعی دارد (مسائل نثر فارسی...، ص ۴۵). از این زاویه وجود زبان معیار و رسمی واحد لازم نیست. گونه‌های مختلف زبانی همه رسمیت دارند و ارزش هر یک را دیگری برابر است. واقع هر یک معیارهای خاص خود را دارد. پرویز دوم نیز در عصر جهانی‌شدن و انقلاب انفورماتیک جدا مطرح است. گفته می‌شود گسترش کامپیوتر و آمیختگی نژادها و زبان‌ها و رفت‌وآمدهای بین‌المللی، به زبان چهره بسیار متغیری داده است. زبان کامپیوتر حد و نرم نمی‌شناسد. واژه‌ها روانه ابداغ می‌شوند. گونه‌های زبانی روزه‌روز بر تعداد واژگان‌های افزوده می‌شود و از هم فاصله می‌گیرند. دیر نیست که فیزیک‌دانان از زبان شیمی‌دانان سر در نیاورند و زبان انگلیسی مهاجران برای ساکنان و زبان انگلیسی جوانان مدرسه‌ای سیاه‌پوست برای جوانان مدرسه‌ای سفیدپوست قابل درک نباشد. در چنین شرایطی هر کوششی برای معیارگذاری غقیم خواهد ماند. به زبان دیگر، تحول و جوشش خود به خودی زبان چنان شتاب می‌گیرد که معیار‌گذاری را برنمی‌تابد. آنها که هنوز از زبان معیار سخن می‌گویند چه دارند؟ به نظر می‌آید پاسخ آنها روشن باشد که افزایش گونه‌های زبانی و افزونی غنای واژگانی هر کدام و فاصله‌گرفتن گونه‌ها از یکدیگر، ضرورت گونه معیار را بیشتر نمی‌کند؛ تنها به عبارت دیگر، در شرایط نثر روزافزون گونه‌ها نه کمتر؛ برای هرگونه‌ای به‌معیارسازی لازم است، وجود گونه معیار بر سهولت ارتباطات می‌افزاید. این سخن هرگز به معنای مخالفت با به‌رسمیت‌شناختن و به‌معیارکردن انواع گونه‌های زبانی و تحمیل تنگ‌نظرانه زبان معیار به گویندگان این زبان نیست، بلکه تبدیل یک زبان مورد معمولی به وجه اشتراک همه گویندگان یک زبان مورد نظر است. در عین حال هر گونه زبانی قانونمندی‌های خاص خود را خواهد داشت. برای مثال، در گونه زبانی حقوقی استفاده بیشتر از واژه‌های عربی (در مقایسه با فارسی روزنامه‌ای) مجاز خواهد بود.

حق‌بان

انتخابات کانون وکلا و آینده حرفه وکالت



ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

«این آیین‌نامه مربوط به ۷۰ سال قبل است و بعد از این ۷۰ سال، قوانین متعددی وضع شده که به لحاظ وضع قوانین جدید، انجام اصلاحات ضرورت دارد و دیوان عدالت اداری نیز حکم کرده و باید این آیین‌نامه اصلاح شود؛ اما آقایان هیئت‌مدیره کانون بیشتر در تهران و برخی وکلا، آن‌هم هیئت‌مدیره‌ای که خودش غیرقانونی است و مهلت دوره آن پایان یافته و شانس آورده‌اند به وضعیت کرونا خوردند، فکر می‌کنند صرف کردن، مجوزی برای فعالیت آنها تحت عنوان هیئت‌مدیره است و همین آیین‌نامه تکلیف وضعیت‌های این چنینی را مشخص نکرده است. همین بهترین دلیل است که آیین‌نامه با نواقصی مواجه است و به‌روز و به‌هنگام نیست. ما هم گفتیم مرجع پیشنهاد شما و مرجع تصویب نیز رئیس قوه قضائیه است که عده‌ای پیشنهاد دادند؛ اما بخش کانون می‌گوید نه آیین‌نامه بنویسید و نه می‌نویسیم و با همین آیین‌نامه دوران سلطنت می‌خواهیم کار وکالت دادگستری جمهوری اسلامی ایران را انجام دهیم». این مطالب اظهارات سخنگوی دستگاه قضاست که عیناً از روزنامه «شرق» به تاریخ ۱۷ اردیبهشت نقل شد. جملات گویای رویکرد مدیران قوه قضائیه به کانون و وکلای دادگستری است. ویروس کرونا کانون وکلای دادگستری را هم بی‌تصیب نگذاشت و انتخابات هیئت‌مدیره از اسفند به نیز تمجیر می‌موکل شد. جدا از بحث تأیید صلاحیت، این‌بار همه چیز زیر سایه آیین‌نامه اجرائی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری است که از سوی قوه قضائیه تهیه و برای اظهارنظر ابتدا به شکل محرمانه برای کانون‌های وکلا ارسال شد و سپس برای دریافت پیشنهادهای عموم وکلای دادگستری، در رسانه‌ها نشر یافت. تاریخ تنظیم آیین‌نامه، یعنی ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ خالی از معنا نیست. هفته قبل محمد مصدق، معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه، خرداد را آخرین مهلت دریافت پیشنهادهای اصلاحی اعلام کرد. نقد و بررسی این آیین‌نامه ۱۹۸ ماده‌ای، مجال دیگری می‌طلبد. خلاصه‌نامه موجود، اصلاحاتی است که در این چند دهه قوه قضائیه دنبال اعمال آنها از طریق اصلاح قوانین در مجلس بود که هر بار به دلیلی امکان‌پذیر نشد؛ اما محل مناقشه، اصل پیشنهاد آن است. درحالی‌که ماده ۲۲ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، پیشنهاد آیین‌نامه مربوطه را به عهده کانون وکلا و تصویب آن را وظیفه وزارت دادگستری می‌داند، مسئولان قضایی با نادیده‌گرفتن این مقررره و با این استدلال که آیین‌نامه مربوط به دوران سلطنت است، خواستار تغییر آن بر مبنای مقتضیات جدید هستند. اگر صرف تصویب آیین‌نامه در سال ۱۳۴۴ را مربوط به دوران سلطنت بدانیم و در اعتبار آن تردید کنیم، می‌توان با این منطق نسبت به اعتبار و هویت قوانین قدیمی‌تر نیز مانند قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷) که احکام مهمی مانند نکاح و طلاق را بر می‌گیرد، شبهه افکند. این روزها زمزمه‌هایی درباره توقف انتخابات کانون وکلا با دستور موقت دیوان عدالت اداری با این استدلال که شورای نگهبان آیین‌نامه سال ۱۳۴۴ را غیرشرعی اعلام کرده، شنیده شده که حتی شایعه آن نیز تأسف‌بار است.

مجادلات سیاسی نیز حرفه وکالت را بی‌بهره نگذاشته است؛ در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ «لایحه جامع وکالت رسمی» به پیشنهاد قوه قضائیه در حال طی‌کردن آخرین مراحل تصویب بود که ناگهان محمود احمدی‌نژاد در نامه‌ای به معاون‌اول خود، خواستار استرداد لایحه شد. در بخشی از نامه آمده بود: «متأسفانه امروز قاضی دادستان از نامه درخواست می‌کنند و از یک مرجع منصوب می‌شوند که شرایط تحقق عدالت و حقوق مردم را تضعیف می‌نماید. اگر وکیل‌مدافع هم تحت امر همان مرجع قرار گیرد و یا به نوعی مدیریت شود، زمینه احقاق حق تقریباً از بین خواهد رفت و خدا می‌داند چه بر سر ملت خواهد آمد...». اکنون آینده حرفه وکالت بیش از همیشه تیره‌وار است و به دلیل عدم تعامل قوه قضائیه و کانون وکلا، باید منتظر رخدادهای پیش‌رو بود. در پایان بی‌مناسبت نیست به خاطره‌ای از زنده‌یاد دکتر ناصر کاتوزیان از یکی از انتخابات هیئت‌مدیره در دهه ۶۰ اشاره کنیم: «طرحی از سوی گروهی از نمایندگان به مجلس تقدیم شد، به قید سه فوریت و قابلیت اجرا از تاریخ تصویب و پیش از انتشار، به مضمون توقیف انتخابات کانون و تعلیق آن به تصفیه وکلا. این طرح با شتاب فراوان تصویب و بی‌درنگ اجرا شد. در نتیجه، صبح روز انتخابات که وکلا برای رأی‌دادن به کانون آمدند، با درهای بسته و مأموران انتظامی و اکهی توقیف روبه‌رو شدند و با اخطار مأموران متفرق شدند و بدین‌ترتیب غائله پایان پذیرفت و برای قانونی که پیش از انتشار قابل اجرا باشد، پیشینه و نمونه‌ای به دست آمد» (نقل از کتاب «زندگی من»، صفحه ۲۷۰).